



ادامه از صفحه ۱۳

جشن غدیر غم‌های جمعی را می‌برد

تاثیر آیین‌های شادی در فضای اجتماعی در گفت‌وگو با صاحب‌نظران

می‌گویند جامعه ایرانی شاد نیست. برنامه برای سوگواری هست اما کمتر به شادی توجه می‌شود. آیا شادی جمعی نیاز یک جامعه محسوب می‌شود؟ یا برنامه‌ای مانند میهمانی غدیر که امسال برای دومین بار برپا شد می‌تواند

نمونه نقضی بر این ادعا باشد؟ برای رسیدن به پاسخ‌های صحیح درباره این پرسش‌ها، لزوم شادی در جامعه و مصداق‌هایی که می‌توانند این نشاط اجتماعی را گسترش دهند، سراسر کارشناسان مختلف رفتیم و نظر آنها را جویا

شدیم. امان‌الله قرانی مقدم جامعه‌شناس، حسین جلالی نماینده مردم رفسنجان و عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و حمید بهمنی کارگردان سینما از کارشناسانی بودند که در این رابطه صحبت کردند.

شادی جمعی راهی برای افزایش نشاط در جامعه

امان‌الله قرانی مقدم، جامعه‌شناس با تاکید بر اینکه عوامل شادی آفرین در جامعه باید پررنگ‌تر شوند، عنوان کرد که میهمانی ۱۰ کیلومتری که به مناسبت عید غدیر برگزار می‌شود، می‌تواند شادی را در جامعه افزایش دهد. این استاد دانشگاه با بیان اینکه شادی یک پدیده نام‌است و عوامل زیادی در به وجود آمدن آن موثر است، گفت: «از خانواده‌ها و محلی که در آن به دنیا آمده و زندگی می‌کنید، تا اخباری که روزانه پیگیری آن هستید، می‌تواند میزان شادی و نشاط شما را تعیین کند.»

قرانی مقدم با اشاره به نظریه میدانی کرت لوین، تاکید کرد: «نیروهایی که باعث می‌شود فرد شاد نباشد از خانواده آغاز می‌شود. اگر خانواده آرامش و نشاط داشته باشد، این شادی به همه اعضای خانواده و خودبه‌خود به جامعه‌تسری پیدا می‌کند.»

قرانی مقدم معتقد است جامعه غمگین، تاثیر خود را در همه زمینه‌ها خواهد گذاشت و آب و هوای غم‌آلود می‌تواند خشم و خشونت را در کشور رواج داده و از نظر اقتصادی، کارایی افراد را کاهش دهد، از نظر سیاسی پدیدینی ایجاد کند و از نظر فرهنگی و اجتماعی سلامت روح و روان افراد جامعه را به خطر بیندازد و عمر را کوتاه کرده و آسیب‌های اجتماعی را افزایش دهد.

او با تاکید بر اینکه جشن‌ها، نشانه‌های شادی آفرینی در اجتماع هستند و اخبار مثبت باید در جامعه افزایش پیدا کند، اظهار کرد: «ما در ایران باستان هر ماه حداقل یک روز را عید دانسته و آن روز را جشن می‌گرفتیم. یعنی هر ماه به مناسبت‌های گوناگون مراسم جشن و شادی برگزار می‌شد. این مهم باید در جامعه کنونی نیز دیده شود و آیین‌های کهن در کنار مناسبت‌های مذهبی دوباره احیا شود. این جشن‌ها مانند جشن عید غدیر،

از دل مردم می‌جوشد و تاثیرش را به سرعت بر روحیه جمعی خواهد گذاشت و رنگ غم و ماتم را در کشور از بین خواهد برد.»

لزوم تعریف دوباره شادی

حسین جلالی، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی نیز معتقد است جامعه به گسترش فضاهای شاد نیاز دارد. وی با بیان اینکه اسلام دین نشاط، شادایی و سرزندگی است، شادی را براساس مفاهیمی دیگر مورد سنجش قرار داد و گفت: «متأسفانه گاهی درباره مصداق‌های شادی دچار اشتباه و سوءتفاهم می‌شویم و شادی‌های کاذب را شادی جمعی و نشاط دینی تصور کرده و فکر می‌کنیم نشاط جمعی در جامعه کم است.»

حسین جلالی اما این تصور را ناشی از یک اشتباه دانست و به همین دلیل معتقد است ابتدا باید تعریف درستی از شادی و نشاط جمعی ارائه داد که برای آن می‌توان به اسلام و توصیه‌های دینی رجوع کرد.

او در این باره توضیح داد: «اسلام درباره مفاهیمی چون نگاه به سبزه یا آب توصیه کرده و آنها را شادی بخش و مستحب دانسته است که قطعا منظور نگاه به یک گلدان یا شیر آب در منزل نیست و توصیه به حضور در طبیعت است. از سوی دیگر ما در اسلام به امام زمان (عج) هم شادی را تجربه می‌کنیم و می‌گوییم «السَّلامُ علی ربيع الایام و نصره الایام»؛ ایشان را بهار خواب‌زدگان و به‌خواب‌فتگان و شادی‌بخش روزگاران می‌خوانیم و ایشان را یک چهره آرامش‌بخش و شادی‌بخش تعریف می‌کنیم. پس باید گفت دین منافاتی با شادی جمعی و نشاط ندارد و فقط باید تعریف درستی از آن داشته باشیم و به مصداق اشتباه رجوع نکنیم و شادی کاذب را از شادی واقعی جدا کنیم.»

حمید بهمنی، کارگردان سینما هم از منظر دیگر همین نظر را دارد. او در این باره گفت: «در حوزه دین اگر شادی آفرینی را جست‌وجو کنیم متوجه می‌شویم که دین اسلام تنها با شادی و شاد کردن دیگران مشکلی ندارد، بلکه آن را ترویج هم می‌کند؛ اما جنسی از شادی که دین به آن توصیه می‌کند حتماً ناشی‌هایی که برخی فیلم‌های به‌ظاهر طنز به مخاطب تزیق می‌کنند، متفاوت است. مثلاً در دین ما آمده اگر مسلمانی بتواند دل فردی را شاد و شرایط سخت زندگی را برای او آسان کند، ذخیره‌ای برای دنیا و آخرت او خواهد بود.»

میهمانی کیلومتری؛ مصداقی از نشاط و شادی اجتماعی

با این حساب سوال پیش می‌آید که چه برنامه‌هایی می‌تواند به ایجاد فضای نشاط در جامعه کمک کند؟ حسین جلالی، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، جشن‌هایی چون میهمانی ۱۰ کیلومتری عید غدیر که روز جمعه، ۱۶ تیرماه برگزار شد را یک مصداق خوب از جشن و شادی جمعی برشمرد و گفت: «تجربه‌هایی چون برگزاری جشن‌های دهه ولایت، دهه کرامت، نیمه‌شعبان یا عید غدیر که با حضور مردم و خانواده‌ها برگزار می‌شود یک نمونه خوب از این شادی جمعی است.» وی افزود: «گروه‌های سرود، گروه‌های نمایش خیابانی، پذیرایی و اطعام و همه اینها شرایطی را ایجاد کرده که گویی شادی از سر و روی شهر می‌بارد.»

جلالی در نمونه‌های کوچک‌تر به تجربه برگزاری افطاری، شب‌زنده‌داری، حضور در نماز جماعت یا نماز جمعه و دیدار با برادران و خواهران دینی به‌عنوان یکی از مصداق‌های

نشاط جمعی اشاره کرد که در اسلام هم توصیه شده و علاوه بر اینکه احیای یک امر معروف است، در قالب ملاقات، نشست و صحبت با خواهران و برادران، یک شادی جمعی هم محسوب می‌شود. او البته تاکید کرد باید این موارد به‌ویژه تجربه جشن‌های خیابانی مانند میهمانی ۱۰ کیلومتری غدیر بیشتر به مردم معرفی شود تا حضور فعال‌تری داشته باشند و از آن بهره‌مند شوند.

حمید بهمنی، کارگردان و فیلمنامه‌نویس کشورمان نیز تقریباً نظری مشابه دارد. او با اشاره به راهیمایی ۱۰ کیلومتری غدیر اظهار داشت: «قبل از اینکه ما به بحث شاد بودن واقعه غدیر فکر کنیم باید به مفهوم اصلی غدیر ببیندیشیم و از این جهت که مولای ما توسط پیامبر اکرم (ص) معرفی شده است باید خوشحال باشیم؛ لذا واقعه غدیر آنقدر برای مسلمانان مهم است که می‌توان از عید غدیر به‌عنوان شاخصه شادی آفرینی با مفاهیم دینی یاد کرد.»

شادی در سینما و تلویزیون نیاز به بازنگری دارد

اقتضای مختلف مردم در میهمانی کیلومتری با مراسم مشابه با حضور خود یا شرکت در میان برگزارکنندگان، سهمی از این وظیفه جمعی را بر دوش می‌کنند، اما در فضای خنگی این وظیفه ایجاد نشاط چگونه ایجاد می‌شود؟

حمید بهمنی، کارگردان سینما و مدیرعامل اسبق موسسه شهید آوینی وظیفه هنرمندان حوزه طنز و کمدی را مهم عنوان کرد و گفت: «هنرمندی که قرار است در شادی جامعه، نقش آفرینی داشته باشد نباید در پی شادی‌های زودگذر و تنها به فکر فتح گیشه و مخاطب باشد؛ در حوزه سینما دیده شده هر چه شادی

در سطح باشد به همان نسبت نیز، تاثیرگذاری آن کوتاه‌تر است. اما هنگامی که طنز در سینما، تلویزیون و رسانه خانگی به‌درستی طراحی شده باشد، ماندگاری آن هم عمیق‌تر خواهد بود. مصداق این سخن، فیلم‌هایی همچون «لیلی با من است» و «خراجی‌هاست که همچنان تاثیرگذار هستند.»

کارگردان فیلم‌های سینمایی «آخرین نبرده» و «گلوگاه شیطان» افزود: «هم‌اکنون ما شاهد ساخت فیلم‌های طنز زیادی در سینما هستیم که حتی نام‌شان با آمدن فیلم‌های بعدی از یاد می‌روند و جایگاه خودشان را نزد مخاطب از دست می‌دهند، درحالی‌که اگر این فیلم‌ها تاثیرگذار باشند حتماً به این زودی به فراموشی سپرده نمی‌شوند.»

حمید بهمنی با بیان اینکه متأسفانه شادی در برخی از فیلم‌های طنز، زینده ملت مانیتست، اظهار داشت: «سابقه طنز در ادبیات کشور ما از سابقه دیرینه‌ای برخوردار است. اما طنز در سینما به‌مدستی‌ترین نوع آن رسیده و به مفاهیم درونی آن توجه نمی‌شود و لازم است که این روند توسط مدیران کلان فرهنگی و هنرمندان متعهد اصلاح شود.»

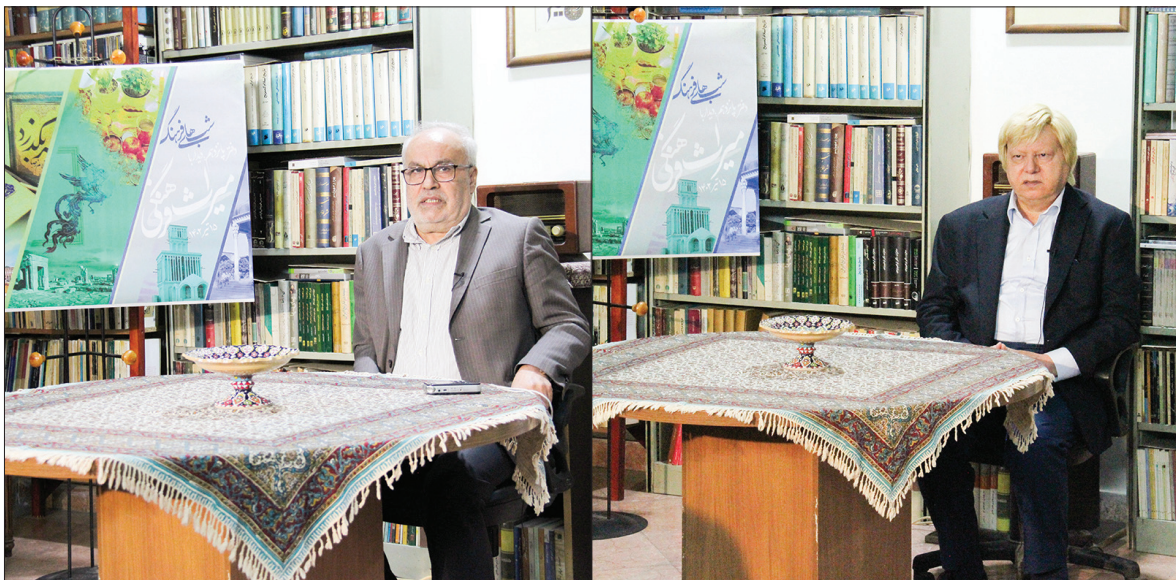
کارگردان فیلم سینمایی «آن مرد آمد» با اشاره به رسانه ملی هم گفت: «اگر چه صداوسیما برای ترویج طنز سالم تلاش کرده، اما همچنان در این مقوله سردرگم است. مثلاً برنامه خندوانه اگرچه به‌ظاهر شادی‌آور بود، اما باافلاصله هم از یاد می‌رفت. در عوض برنامه «مخفل» که در ماه رمضان از تلویزیون پخش شد-یکی از برنامه‌های خوب همراه با طنز درونی و شوخی‌های لطیف بود که هیچ خط قرمزی را در نظر نگذاشت و به‌سمت سطحی‌نگری هم نزدیک نشد و علاوه بر شادی‌آور بودن بر مفاهیم دینی و اجتماعی هم تاکید داشت.»

گزارش

در پانزدهمین شب فرهنگ مطرح شد

بهشتی: تخریب میراث فرهنگی در ۷۰ سال اخیر بیش از مغول‌ها بوده است

پورحسین: تبارسازی می‌کنند تا به آرامش برسند



در روانشناسی اجتماعی است و بحث عمده‌ای حول آن شکل گرفته است. مقالات متعدد از اثر میراث فرهنگی بر سلامت روان فرد و جامعه وجود دارد و این مساله ثابت شده است و نیاز به توضیح نیست. اما ما باید منطقی و چرایی این تاثیر را فهم کنیم و آیا می‌توانیم به مفهوم مشترک بین این دو مقوله برسیم؟»

پورحسین در ادامه و در به پاسخ به این پرسش گفت: «مهم‌ترین مفهوم در سلامت روان، سازش و سازگاری است. همه مباحث روانشناختی برای رسیدن به سازش نسبی است. برای همین در روانشناسی کلاسیک از آرامش استفاده نمی‌کنیم چون دست‌نیافتنی است و از سازش استفاده می‌کنیم. حیات روانی انسان و جامعه مفهوم تعادل جویی است. انسان ذاتاً میل به تعادل دارد.» وی با اشاره به اینکه تجهیز زیستی انسان را به سمت تعادل می‌فرستد گفت: «آرامش جایی در زندگی اینجایی ما ندارد ولی می‌توانیم به سازش برسیم. اگر سازش را در چهارچوب درون فرهنگی بررسی کنیم، واژه هویت است و دو مقوله میراث فرهنگی و سلامت روان در یک مفهوم مشترک به یکدیگر می‌رسند و آن هویت است.»

این استاد دانشگاه با اشاره به اینکه هویت واژه مبهمی است، گفت: «امروزه شاید مکرر می‌گوییم جوان ما هویت ندارد یا هویت او کم شده است. این هویت چیست؟ در واقع هویت شناسنامه‌ماست و تمیز یافتگی ما نسبت به دیگران را نشان می‌دهد. به تعبیر دیگر هویت به معنای مختصات من در موقعیت است. آگاهی از مختصات خود در صحنه هستی و جامعه بشری و موقعیت‌های مختلف می‌تواند

کهریزک فاصله داشت. شاید روستاهای اطراف تهران آسیب می‌دیدند ولی شهر تهران در امان بود. در ۷۰ سال اخیر انواع سازمان‌ها مثل زمین‌شناسی و... را تاسیس کردیم ولی به‌شناسخت از خود نرسیدیم و صرفاً به این مقوله‌ها به چشم پارامترهای متغیر نگاه می‌کنیم.»

بهشتی با اشاره به اینکه امروزه دانسته‌هایمان بی‌فایده است، گفت: «زمین‌شناسی، هواشناسی و مرکز آمار داریم ولی مثل گذشته از آن دانسته استفاده نمی‌کنیم و امروز منتظر زلزله هستیم.» عضو فرهنگستان هنر با اشاره به اینکه میراث فرهنگی امور ثابت در دوران هیاهوهاست، گفت: «در دوره‌ای که گرفتار هیاهوی متغیرها هستیم و انواع متغیرها مانند هوش مصنوعی و متاورس قدرت خود را به رخ می‌کشند، میراث فرهنگی مثل ریشه درختی است که اگر نباشد این درخت دیگر زنده نیست و امکان حیات و رشد ندارد. این ریشه‌ها را باید بشناسیم نه اینکه صرفاً اطلاع داشته باشیم بلکه باید باخبر شویم و اهلیت ما نسبت به سرزمین مان اصلاح شود.»

بهشتی در جمع بندی سخنان خود مساله اهلیت را مهم‌ترین مقوله در حوزه میراث فرهنگی یاد کرد و گفت: «برای آنکه حال مردم خوب شود و بتوانیم مثل تاریخ زاینده باشیم و نقش تعیین کننده در جهان داشته باشیم باید دوباره اهلیت ما نسبت به فرهنگ و سرزمین مان اصلاح شود.»

در ادامه این نشست رضا پورحسین به نقش میراث فرهنگی بر سلامت روان جامعه پرداخت و گفت: «موضوع میراث فرهنگی و سلامت روان یک بحث بین رشته‌ای

پانزدهمین دفتر از شب‌های فرهنگ با موضوع «دیدار با میراث فرهنگی» با حضور جمعی از اهالی فرهنگ و هنر برگزار شد.

به گزارش «فرهنگستان» در پانزدهمین شب از سلسله برنامه‌های شب‌های فرهنگ که به موضوع نقد و بررسی میراث فرهنگی اختصاص یافته بود، چهره‌هایی همچون سیدمحمدبهشتی، رضا پورحسین و علی دانشور کیان به ارائه نظرات خود در خصوص وضعیت میراث فرهنگی پرداختند.

در ابتدای این برنامه سیدمحمد بهشتی، عضو شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری به وضعیت میراث فرهنگی پرداخت. بهشتی با اشاره به اینکه میراث فرهنگی موضوعی سهل و ممتنع است، گفت: «آنهاهی که نسبت به میراث فرهنگی شناخت ندارند آن را سهل دانسته و آن را محدود به مراکز تاریخی می‌دانند اما آنهاهی که نسبت به این حوزه شناخت دارند می‌دانند که باید با خشوع و تواضع با مقوله میراث فرهنگی برخورد کرد. اگر میراث فرهنگی را بشناسیم خواهیم فهمید که انواع میراث فرهنگی در جلوه‌های مختلف با یکدیگر یک وجه اشتراک دارند و آن جلوه‌ای از فرهنگ است. فرهنگ وجه اشتراک آثار تاریخی و میراث فرهنگی است و آثار فرهنگی تصویر کیستی جامعه را نمایان می‌کنند.» بهشتی با اشاره به قدمت و پشتوانه فرهنگی ایران در حوزه میراث فرهنگی اضافه کرد: «حتی همین اسم دره‌ها و کوه‌ها و گیاهان بخشی از میراث فرهنگی ماست که نسبت به آن بی‌تفاوت هستیم و آن را نمی‌شناسیم. اگر روستایی خالی از سکنه می‌شود ما فقط بابت عدم تولید گندم آن متضرر نمی‌شویم بلکه بابت از بین رفتن میراث فرهنگی در آن روستا متضرر می‌شویم و این خسران زبان‌بارتر از باقی آسیب‌هاست.» وی همچنین ادامه داد: «یک روز ما ۷۰ هزار گویش داشتیم ولی امروز شاید ۲۰ هزار گویش هم باقی نمانده و اهمیت این کوچ اجباری به شهرها را درک نمی‌کنیم. آنچه مهم است این دلالت‌های فرهنگی است که از دست می‌دهیم.»

اولین رئیس سازمان میراث فرهنگی با اشاره به سیر فاصله گرفتن جامعه ایرانی از میراث فرهنگی گفت: «در ۷۰ سال گذشته میزان نابودی آثار فرهنگی در ابعاد مادی و معنوی بیش از هزاره پیش از آن است. ما در هزاره قدیم مغول‌ها را تجربه کردیم ولی با این وجود نسبت نابودی میراث فرهنگی در مقایسه با همین ۷۰ سال اخیر قابل قیاس نیست. در این ۷۰ سال وضعیت ما در حوزه آثار منقول و غیرمنقول و ابعاد مختلف میراث نامحسوس و... واریلاست.» بهشتی با اشاره به اینکه امروزه ما نسبت به فرهنگ خود دچار اوتیسم شده‌ایم، گفت: «امروز ما فرهنگ و ایران را نمی‌شناسیم. این عدم شناخت از سرزمین خود باعث شده تا ما در فرهنگ دچار اوتیسم شویم. ما در ۷۰ سال اخیر سازمان زمین‌شناسی، هواشناسی و انواع علوم را داریم اما به دلیل عدم شناخت میراث فرهنگی در حوزه زلزله و سیل و... آسیب‌پذیر شده‌ایم.»

وی در توضیح بیگانگی جامعه ایرانی با میراث فرهنگی گفت: «از دوره شاه پهلمااسب تا دوره رضاشاه، تهران با وجود محصور بودن در میان سه گسل بزرگ، هیچ‌گاه در زلزله‌ها آسیب جدی نمی‌دید چون تهران محصور بود و با این گسل‌های نیاوران و

مفهوم هویت باشد. کسی که این مختصات را بداند دارای هویت است. برای همین وقتی می‌گوییم جوان هویت ندارد به این معنی است که مثلاً دانشجوی پزشکی ما نمی‌داند بعد از تحصیل کجاست و چه آینده‌ای دارد. یعنی هویت خودش را پیدا نکرده است.»

پورحسین با اشاره به اشتراک میان مفهوم اهلیت و هویت گفت: «اهلیت منجر به تعلق شده و این تعلق و اهلیت به سازش می‌انجامد. برای همین بعد از هویت، از تعلق صحبت می‌کنند. تعلق وطنی و سرزمینی و حتی دینی ما کاهش پیدا کرده. حتی تعلق به زبان و... نیز کم شده است. چون هویت ما کم‌رنگ شده است. تعلق مقوله وابسته به هویت است و این هویت هم مفهوم مشترک بین میراث فرهنگی و سلامت روان است.» وی با اشاره به اینکه در حوزه روانشناسی با تعادل جویی بعد از هویت‌یابی به آرامش و سازش می‌رسند، گفت: «در روانشناسی کودک مفهومی به‌عنوان پایگاه امن مطرح می‌شود که در این مفهوم مادر اولین پایگاه امن کودک هست. مادر همچنین در کهن‌الگوها تکثیر می‌شود و در وهله‌های مختلف تاریخی قرار می‌گیرد و تکراری نمی‌شود. برای همین است که حتی در قیابیل بدوی هم مادر مفهومی است که از دیگر نقش‌ها متمایز است و جایگاه ویژه‌ای دارد. انسانی که به‌ماد هویت خود برمی‌گردد تعلق پیدا کرده و این مساله برای انسان آرامش بخش است.»

رئیس دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران در ادامه سخنان خود با اشاره به اینکه میراث فرهنگی منبع و منشأ هویتی است، گفت: «میراث فرهنگی از زاویه هویتی خود، ما را به آرامش می‌رساند و گزنه تیر و تخته و سنگ و چوب که به ما آرامش نمی‌دهد بلکه این گشتار میراث فرهنگی ریشه برای من ایجاد می‌کند و اگر اهلیت داشته باشم احساس آرامش می‌کنم.»

پورحسین در جمع بندی سخنان خود با اشاره به اینکه میراث فرهنگی مقوله هویت‌ساز است گفت: «به همین دلیل است که می‌گویند هر شيء به اصل خودش برمی‌گردد. در واقع هر شيء وقتی به اصل خود بر می‌گردد به سمت آرامش می‌رود. کسی که تبار و ریشه ندارد سعی در تبارسازی دارد تا به آرامش برسد. اگر می‌خواهیم احساس بهجت کنیم باید به هویت ایرانی و اسلامی خودمان برگردیم.»

در بخش پایانی این نشست علی دانشور کیان استاد یار دانشگاه تهران به مبحث زبان فارسی و میراث فرهنگی پرداخت. این استاد دانشگاه با اشاره به اهمیت کلمات و زبان در پیشرفت جوامع گفت: «هر کلمه که گفته می‌شود، تا به آن توجه نکنیم نمی‌توانیم گام دوم را برداریم و اگر دنیای غرب پیشرفت کرد به درک عمیق از مفاهیم توجه کرد و علت رشد آن هم همین است.» دانشور همچنین فرهنگ و ادب و تمدن را بخش مهمی از میراث فرهنگی دانست و گفت زبان بستر ادبیات است و اگر فرهنگ دارای ساختار است به دلیل قدمت آن در حوزه زبان و میراث فرهنگی است. گفتنی است سلسله برنامه‌های شب‌های فرهنگ هر ماه به همت اکبر نبوی، پژوهشگر و منتقد سینما و با حضور جمعی از پیشکسوتان و اهالی هنر برگزار می‌شود.